

روش‌های آموزشی در سیره رضوی و دلالت‌های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان

سیده محدثه دهقان سرخ آبادی^۱، انسی کرامتی^۲

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۴

پذیرش: ۱۳۹۵/۱/۲۸

چکیده

یکی از چالش‌های موجود در نظام‌های آموزش عالی، کم توجهی به پرورش تفکر و اندیشیدن در دانشجویان است که با بهره‌گیری از دلالت‌های تربیتی سیره امام رضا^(ع) می‌توان در مواجهه با این چالش، گام‌های موثری برداشت. با توجه به اهمیت مراکز تربیت معلم و محوریت نقش مدرسان در آنها، از این رو هدف این مقاله، بررسی روش‌های تربیت عقلانی در سیره رضوی با تأکید بر نقش استادان و روش‌های تدریس ایشان در راستای پرورش تفکر در دانشجو- معلمان است. در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد؛ به نحوی که با مراجعه به منابع معتبر دینی درباره سیره رضوی، اطلاعاتی در زمینه تربیت عقلانی و روش‌های تدریس مناسب برای آن‌ها استخراج شد و سپس مورد توصیف و طبقه‌بندی قرار گرفت. یافته‌های پژوهش بیانگر پنج روش تدریس شامل: آموزش انفرادی، بحث گروهی، پرسش و پاسخ، مناظره و عبرت‌آموزی بر اساس سیره رضوی است. همچنین کاربرد هر یک از این روش‌ها توسط مدرسان نیازمند برخورداری آن‌ها از مهارت‌های ارتباطی و تدریس خاصی است. براساس نتایج پژوهش تأکید بر مهارت‌های دانشجو- معلمان و استادان به‌عنوان معیاری برای جذب، بررسی مستمر توانمندی‌های فکری نیروهای جذب شده و نیز گنجاندن یک یا چند واحد درسی در زمینه آموزش تفکر، پیشنهاد می‌شود.

کلید واژه‌ها:

روش آموزشی، تربیت عقلانی، سیره رضوی، دانشگاه فرهنگیان.

۱. دانشجوی کارشناسی رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس هاشمی نژاد مشهد:

Mohades.dehghan1994@gmail.com

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس شهید هاشمی نژاد مشهد (نویسنده مسئول):

keramaty_ensi@yahoo.ca

❖ مقدمه

آداب و روش‌های تعلیم و تعلم از مسائل مهم در حوزه آموزشی است که توجه و پایبندی به آن، راه رسیدن به اهداف آموزش و پرورش را هموار می‌کند، اما این مسئله مهم با چالش‌هایی رو به رو است. یکی از این چالش‌ها بی‌توجهی یا کم‌توجهی به تربیت عقلانی یا روش‌های پرورش تفکر در مراکز آموزشی است (حاتمی، احمدزاده و فتحی آذر، ۱۳۹۲: ۱۰۵). سیره تربیتی امامان معصوم^(ع) به حکم آیه تطهیر^۱ و اخبار و روایت‌های فراوان دیگر، یکی از غنی‌ترین منابع برای استخراج مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی است که به یقین هنوز تحقیق و تدوینی اصولی درباره آن صورت نگرفته است (فروزش و محسنی زاده، ۱۳۹۳: ۴۴۳). در واقع روش‌های آموزشی و تربیتی ائمه^(ع) در زمینه پرورش تفکر را می‌توان از طریق سیره تربیتی آن‌ها مطالعه و بررسی قرار کرد. سیره بر دو مفهوم «چگونگی و نوع عمل» و «سبک و قاعده رفتار» دلالت دارد و سیره تربیتی معصومان^(ع) عبارت است از هر رفتاری که پیامبر^(ص) و اهل‌بیت^(ع) برای تاثیرگذاری بر شناخت، نگرش، اخلاق و رفتار دیگران، اعم از مسلمان و غیر مسلمان، اصحاب، کودک، بزرگ سال، فرزندان و خانواده خود یا دیگران، در محیط خانه، مسجد، کوچه و بازار یا در هر جای دیگری انجام می‌دادند (نیکخواه، نصر اصفهانی و عزیزی، ۱۳۹۰: ۵۴۳). سیره امامان معصوم^(ع)، بنا به مقتضیات و شرایط سیاسی، اجتماعی زمان، مختصات ویژه‌ای دارد که تبیین آن‌ها می‌تواند بیانگر الگوهای برای چگونگی تعلیم و تربیت باشد. امام رضا^(ع) نیز از جمله سفیران الهی است که همچون دیگر انوار الهی و معصومان هدایتگر بشری همه عمر با برکت خویش را در هدایت بشر صرف کرد. ایشان به‌عنوان امام و پیشوای مسلمانان جهان، شیوه‌های تربیتی خاصی را در زمینه رشد فکری افراد مطرح کرده‌اند که لازم است نظام آموزشی برای رشد و بالندگی خود، با این

۱. اِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً. الاحزاب، ۳۳.

روش‌ها و آرای تربیتی آشنا و از آن بهره‌مند شود. در این میان یکی از واقعیت‌های موجود در هر نظام آموزشی، توجه به نقش معلمان است. در واقع چنانچه معلم خود متفکر نباشد یا از روش‌های پرورش تفکر استفاده نکند، نمی‌تواند در این زمینه برای مخاطبان خویش مؤثر واقع شود. از این رو در این مقاله که از دو قسمت تشکیل شده ابتدا به مفهوم‌شناسی عقل و جایگاه خرد و اندیشه در سیره رضوی پرداخته شده، سپس اهمیت خردپروری در مراکز تربیت معلم و نقش مدرسان در زمینه پرورش تفکر در دانشجو- معلمان با توجه به روش‌های موجود در سیره رضوی، مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق

در انجام این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. به نحوی که با مراجعه به منابع معتبر دینی در باره سیره رضوی، اطلاعاتی در زمینه تربیت عقلانی استخراج و سپس توصیف و طبقه‌بندی شد. همچنین به دلالت‌های کاربردی این روش‌ها در دانشگاه فرهنگیان توسط استادان آن پرداخته شده است.

مفهوم‌شناسی عقل

روشن ساختن معنای عقل و مشخص کردن حدود آن، از مهم‌ترین مباحثی است که حل منطقی و درست بسیاری از منازعات به ویژه اعتقادی در گرو ارائه تصویر روشنی از آن است. نویسندگان و صاحب نظران متعدد، ضمن بحث در این زمینه به معانی متفاوتی از عقل اشاره کرده‌اند و حتی گاهی خود نیز بر این اختلاف معانی تصریح می‌کنند. به‌عنوان مثال برنجکار (۱۳۷۴: ۱۸۵) بیان می‌کند: «عقل افلاطون و ارسطو، عقل متکلمان، عقل فارابی و ابن سینا یا دکارت و... با هم فرق می‌کند. همه کسانی که دم از عقل و منطق می‌زنند، صورتی از عقل را به‌طور مبهم و مختصر در نظر دارند؛ درحالی که همه آن‌ها آن عقل را عقل اصلی و اصیل می‌دانند و

اصلاً در باب عقل بحث نمی‌کنند و چه خوب بود که بحث می‌کردند.»

از نظر لغوی، تعقل از باب تفعل به معنای «عاقل و خردمند شدن یا تظاهر به خردمندی» و «در بند یا بازداشت کردن» است (جبران، ۱۳۷۹: ۴۳۸). «معنای اصلی عقل در لغت عرب عبارت از: منع، نهی، امساک، حبس و جلوگیری است و معانی دیگر عقل از همین معنا گرفته شده است. به عنوان مثال خلیل نحوی می‌گوید: عقل، نقیض جهل است. راغب معتقد است که عقل به قوای آماده برای قبول علم، گفته می‌شود. فارس بن زکریا، وجه تسمیه عقل را این می‌داند که انسان را از گفتار و کردار زشت باز می‌دارد. جرجانی نیز بیان می‌کند که عقل صاحبش را از انحراف از راه راست منع می‌کند. بنابراین معنای عقل، منع و جلوگیری است و در این معنا دو جنبه معرفتی و ارزشی لحاظ شده است. یعنی عقل منشاء معرفت است، معرفتی که انسان را به راه راست و اعمال نیکو رهنمون می‌شود. البته رسیدن به راه راست، مستلزم شناخت اعتقادات درست و مطابق با واقع است و لازمه اعمال نیکو، شناختن حسن و قبح اشیا و افعال است. بنابراین می‌توان گفت عقل، چیزی است که عقاید درست و اعمال نیکو را به انسان می‌نمایاند.» (برنجکار، ۱۳۷۴: ۱۸۶).

اندیشمندان فلسفه، عرفان و اخلاق به جای «عقل» از تعبیری مانند «قوه نفسانی»، «نفس»، «حکمت»، «فلسفه» و «علم» نیز استفاده کرده‌اند (هدایتی و شمالی، ۱۳۸۸: ۲۱۴) و از انواع متفاوت و دسته‌بندی‌های متنوع در باره عقل، سخن می‌گویند. یکی از دسته‌بندی‌های معتبرتر در این زمینه که مبنای نظری مقاله حاضر نیز است، تقسیم عقل به دو بعد نظری و عملی است. مسئله تقسیم عقل به دو بعد نظری و عملی از مسائل مهم فلسفی و معرفت‌شناختی است که از دیرباز در میان فیلسوفان، متکلمان و حکیمان مطرح بوده و بنیاد این تقسیم‌بندی به یونان باستان بر می‌گردد (همان، ۱۳۸۸: ۲۱۶). منظور از عقل نظری، آن بخش از عقل است که با آن واقعیات فهمیده و جهان ادراک می‌شود.

عقل عملی نیز بخش دیگری از عقل است که باید‌ها و نبایدها را مشخص می‌کند. عقل در مفاهیم دینی اسلام نیز دارای رتبه‌ای ویژه است و پیشوایان و امامان معصوم^(ع) که عمر با برکت خویش را در جهت هدایتگری بشر صرف کردند، همواره به دنبال آشکار کردن دفینه‌های عقول و تبیین جایگاه عقل و سامان دادن عقول در بین مردم بودند. آن چه در منابع تاریخی به آن اشاره شده، این است که امام رضا^(ع) در مباحث علمی و مناظرات خویش که با صاحبان اندیشه‌های غیر توحیدی و گاه با اندیشه وران توحیدی داشتند از عنصر عقل، در دو حوزه نظری و عملی فراوان استفاده کرده و رویکرد عقل‌گرایی و خردورزی را در مباحث علمی و تربیتی به کار گرفته‌اند (بصیر، ۱۳۹۴: ۳).

جایگاه تربیت عقلانی در سیره رضوی

تربیت را می‌توان مجموعه تدابیر و روش‌هایی دانست که برای به فعلیت رساندن ابعاد مختلف وجود انسان به کار گرفته می‌شود. اما در باره عقل تعاریف مختلفی ارائه شده است که به برخی از آن‌ها اشاره شد. بررسی تعاریف موجود نشان می‌دهد که می‌توان عقل را نیروی تشخیص و بازشناخت حق از باطل در قلمرو شناخت‌های نظری و خیر از شر در قلمرو شناخت‌های عملی (قوه‌ای که عقل نظری نامیده می‌شود) و بازدارنده از سیئات و سوق دهنده به حسنات (قوه‌ای که عقل عملی نامیده می‌شود)، دانست (بهشتی و رشیدی، ۱۳۹۲: ۵۴). بنابراین تعریف، می‌توان گفت تربیت عقلانی به معنای «مجموعه تدابیر و روش‌هایی است که منجر به رشد و درنهایت کمال عقل نظری و عقل عملی در انسان می‌شود».

در تعلیم و تربیت، هیچ چیزی به اندازه «تفکر و پرورش آن» اهمیت ندارد؛ زیرا جریان تربیت از مسیری آگاهانه و مبتنی بر تعقل می‌گذرد. در واقع تعلیم و تربیت، عملی آگاهانه، ارادی و مبتنی بر تفکر است که ضمن فعالیت علمی برای متحد کردن «ذهن و

جسم» یا «فکر و عمل» فراگیرنده تلاش می‌کند (رحیمی، ۱۳۸۸: ۴۹-۵۷). اهمیت پرورش عقل در اسلام نیز به اندازه‌ای است که خداوند در قرآن می‌فرماید: «بدترین موجودات آن‌هایی هستند که تعقل نمی‌کنند»^۱ (الانفال، ۲۲). همچنین یکی از اهداف بعثت انبیا، شکوفایی استعدادها و کمال بخشیدن به قوه تعقل و تفکر انسان مطرح شده است؛ به نحوی که پیامبر^(ص) فرموده‌اند: «خداوند هیچ پیامبر و رسولی را مبعوث نکرد مگر این که عقل را کمال بخشید»^۲ (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۱: ۳۰). در این میان امام رضا^(ع) نیز سرچشمه جوشانی از علم و فضیلت در سینه داشت که تشنگان دانش و معرفت از فیض او بهره می‌بردند و عطش خود را در فهم معضلات و حل مشکلات فرو می‌نشانند. از ابی الصلت هروی نقل شده که: «من از علی بن موسی الرضا دانشمندتر و عالم‌تر ندیده‌ام و هیچ عالمی او را دیدار نکرد مگر این که همین را مانند من شهادت داد»^۳ (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۴۹: ۱۰۰).

از دیدگاه امام رضا^(ع) تعلیم و تربیت و به عبارتی تربیت اسلامی دارای چهار مؤلفه است که عبارتند از: الهی بودن (یعنی منابع آن علاوه بر رهنمودها و معارف قرآن کریم، گفتار و سنت اهل بیت نیز است)، هدایتگری، خرد پروری و شمول یا جامعیت (همه ابعاد وجودی و نیازهای آدمی را در نظر می‌گیرد (ابن بابویه، ۱۳۱۷، ج ۱: ۴۵۰ و ج ۲: ۱۰۱). بنابراین خردورزی و خردپروری یکی از ویژگی‌های چهارگانه تربیت اسلامی از دیدگاه امام رضا^(ع) است. ایشان در بیان قیمت و ارزش عقل می‌فرمایند: عقل سلیم، دوستی است که در راهنمایی انسان صادقانه عمل می‌کند. صدیق به معنای دوستی است که هرگز در روابط خود خیانت نمی‌کند^۴ و جهل و نادانی که در نقطه مقابل آن قرار دارد، دشمن انسان است (هاشمی، ۱۳۹۱). در این زمینه شفیعی مطهر (۱۳۹۰: ۱۴۱-۱۴۴)

۱. ان شرالدواب عند الله الصم البکم الذین لا یعقلون.

۲. و لا بعث الله نبیا و لا رسولا حتی یتکمل العقل.

۳. عن ابی الصلت عبدالسلام بن صالح الهروی قال: ما رأیت اعلم من علی بن موسی الرضا و لا رأه عالم الا شهد له بمثل شهادتی.

۴. صدیق کل امریء عقله و عدوه جهله. ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۴۳.

نیز بیان می‌کند که امام رضا^(ع) برای بیان جایگاه عقل و خرد پروری نزد خود، از پنج ویژگی برجسته آن نام می‌برند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. حجت باطنی

امام رضا^(ع) عقل را حجت باطنی در کنار حجت ظاهری یعنی انبیا و امامان می‌دانند. در این زمینه ابن سکیت از ایشان پرسید: «امروز حجت بر مردم چیست؟ امام (ع) فرمود: همان خرد باشد که انسان به وسیله آن راستگو نسبت به خدا را می‌شناسد و او را تصدیق می‌کند و از دروغ پرداز نسبت به خدا آگاهی می‌یابد و او را تکذیب می‌کند. سپس ابن سکیت گفت: به خدا سوگند که این همان پاسخ (درست) است!»^۱ خود حضرت نیز در روزگاری که حجت ظاهری خداوند یعنی امامت الهی در حد پادشاهی و ولایت عهدی تنزل یافته و امامان معصوم ناشناخته مانده بودند؛ از حجت باطنی بیشترین بهره را برده و با تشکیل مناظرات و احتجاجات عقلانی، خردورزان را جذب خویش و عده‌ای از آن‌ها را به راه اصلی و حجت ظاهری و امامت هدایت می‌کردند.

۲. هدیه الهی

خداوند نعمت‌های فراوانی به انسان ارزانی داشته است. در بین این نعمت‌ها، نعمت ولایت و نعمت عقل از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است. به همین دلیل است که در جای جای روایات، این نعمت به ویژه به خداوند نسبت داده و هدیه الهی دانسته شده است. با این که تمام نعمت‌ها از آن اوست، در واقع این یک نوع اضافه تشریفی به خداوند متعال است. امام رضا^(ع) در این زمینه می‌فرماید: ای پدرهاشم، خرد ارزانی خداوند است اما (به دست آوردن) ادب، مشقت آور است. پس هر کس مشقت ادب آموزی را برعهده گیرد به آن دست یابد و هر کس مشقت خردآموزی (و به دست آوردن

۱. ما الْحُجَّةُ عَلَى الْخَلْقِ الْيَوْمَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَلْعَقْلُ يَعْرِفُ بِهِ الصَّادِقُ عَلَى اللَّهِ فَيَصَدِّقُهُ وَ الْكَاذِبُ عَلَى اللَّهِ فَيَكْذِبُهُ فَقَالَ ابْنُ السَّكَيْتِ، هَذَا وَ اللَّهُ هُوَ الْجَوَاب.

آن را بر عهده گیرد جز نادانی نیفزاید (چرا که عقل را خداوند باید عنایت کند).^۱

۳. برترین عبادت

عده‌ای بر این باورند که عبادت‌ها منحصر به انجام نماز و روزه‌های واجب و مستحب است؛ بدون آن که در رمز و راز آن اندیشه کنند یا در زمان و چگونگی آن تعقل نمایند. امام رضا^(ع) عبادت اصلی را در افزایش اندیشیدن و بهره‌وری از خرد دانسته و در این زمینه می‌فرماید: «عبادت به زیادی روزه و نماز نیست؛ بلکه فقط بسیار اندیشیدن در امر خداوند است»^۲.

۴. بهترین دوست

خرد علاوه بر آن که در کار فکری و نظری مددکار انسان است و به عبادت انسان ارزش و بها می‌دهد، در کارهای عملی نیز بهترین یار انسان و در تنهایی‌ها بهترین رفیق و دوست وی شمرده می‌شود. همان‌طور که پیشتر نیز اشاره شد؛ امام رضا^(ع) در این‌باره می‌فرماید: «دوست هر مردی (و انسانی) خرد او و دشمن اش نادانی وی است» (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۴۳).

۵. عامل دوستی

عقل و خرد نه تنها دوست و یار خود انسان است، بلکه دوستی با دوستان نیز به وسیله عقل و خرد میسر است. اگر انسان بخواهد دوستان خود را در جامعه و فامیل یا خانواده حفظ کند؛ باید از مهربانی برخاسته از خرد بهره برد. امام هشتم^(ع) در این زمینه می‌فرماید: مهربانی با مردم نیمی از خرد است.^۳

۱. یا أباهشیم ألعقلُ جِاءَ مِنَ اللَّهِ وَالْأَدَبُ كَلْفَةٌ، فَمَنْ تَكَلَّفَ الْأَدَبَ قَدَّرَ عَلَيْهِ وَ مَنْ تَكَلَّفَ الْعَقْلَ لَمْ يَزِدْ بِذَلِكَ إِلَّا جَهْلًا.

۲. لیست العبادة كثرة الصيام والصلوة، و أما العبادة كثرة التفكر في امر الله. (بحار الانوار، ج ۶۸: ۳۲۵)

۳. التوؤد الى الناس نصف العقل. (ابن شعبه حرانی، ۱۳۸۰: ۴۲۵)

با توجه به ویژگی‌های تربیت اسلامی و نیز جایگاه تعقل و خرد ورزی از منظر امام رضا(ع)، ملاحظه می‌شود که هرچند در تربیت اسلامی، ابعاد مختلف وجود آدمی و تربیت آن‌ها، هر یک از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند؛ اما به تربیت عقلانی توجه قابل ملاحظه‌ای معطوف شده است. زیرا تربیت سایر ابعاد وجودی انسان در گرو تربیت عقلانی اوست. در واقع خردورزی پایه انسانیت و به تعبیری فصل ممیز انسان از دیگر حیوانات است که سرچشمه معارف و مبدأ صدور تمامی افعال وی محسوب می‌شود (پوردهاقانی و نصرآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۵).

خردپروری و اهمیت آن در دانشگاه فرهنگیان

انسان برای حفظ و ادامه زندگی خود، نیازمند یادگیری و اندیشیدن است. هدف تعلیم و تربیت نیز یادگیری و مقصد نهایی آن، پرورش قوه استدلال و قضاوت است؛ از این رو اولویت برنامه‌های مراکز تعلیم و تربیت، آموزش مهارت‌های تفکر است (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲). در این زمینه هرچند امروزه جامعه جهانی نسبت به گذشته، از نظر آموزشی تحولات زیادی را پشت سر گذاشته؛ اما این امر لزوماً به معنای بهینه‌تر شدن آموزش نیست. زیرا آموزش رسمی به جای تدریس چگونه اندیشیدن همچنان در سطح گسترده‌ای مشغول ارائه‌دانش از طریق محتوای موضوعات درسی است. وایتهد (به نقل از مایرز، ۱۳۷۴: ۸) نیز با بیان این که «یادگیری شاگردان بی‌فایده است مگر این که کتاب‌های خود را گم کنند، جزوات خود را بسوزانند و...» تلویحاً به این مطلب اشاره می‌کند که حاصل تعلیم و تربیت باید دستیابی به یک فرایند فکری باشد نه این که صرفاً بر افزایش اطلاعات جمع‌آوری شده تأکید کند. اما به بیان حاتمی، احمد زاده و فتحی آذر (۱۳۹۲: ۱۰۵) یافته‌های حاصل از تحقیقات متعدد نشان می‌دهد که به رغم اهمیت مسئله تفکر در فرایند آموزش، عمدتاً در نهادهای آموزش عمومی، توجه کمتری به آن

شده است؛ درحالی که موفقیت هر نظامی به توانایی افراد در تحلیل مسائل و تصمیم‌گیری متفکرانه بستگی دارد؛ اما آموزش و پرورش از وظیفه اصلی خود یعنی پرورش تفکر غافل مانده است؛ از این رو برای ارتقای برخی مهارت‌ها که در مدارس پرورش نیافته، چاره اندیشیدن در سطح دانشگاه ضروری است.

مراکز «تربیت معلم» در میان مراکز آموزش عالی متعدد، از جمله حساس‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های نظام‌های تعلیم و تربیت هستند؛ زیرا موفقیت یا عدم موفقیت در ایجاد تحول در نظام‌های آموزشی، منوط به توانمندی‌ها و قابلیت‌های حرفه‌ای معلمان است که مجریان اصلی برنامه‌ها در محیط واقعی هستند (مهر محمدی، ۱۳۷۷: ۱۵۸).

درواقع از یک طرف این مراکز نقش مهمی در تأمین بخش عمده‌ای از نیروهای متخصص، اعم از دبیران، معلمان، آموزگاران و کارشناسان نظام آموزشی دارند. به نحوی که بخش اعظمی از نیروهای نظام آموزشی در دوره‌های تحصیلی مختلف از این طریق، تأمین شده و تقریباً تمامی خروجی‌های آن در دوره‌ها و پایه‌های مختلف تحصیلی آموزش و پرورش مشغول به تدریس می‌شوند. از طرف دیگر، شرط ضروری برای پرورش تفکر در دانش‌آموزان، برخورداری معلمان آن‌ها از دانش، آگاهی و مهارت‌های شناختی در سطح بالاست (بدری گرگری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۲). با توجه به این که یکی از عوامل مؤثر برای پرورش تفکر در دانشجویان و به‌طور ویژه دانشجویان - معلمان، توجه به نقش استادان ایشان به‌عنوان فراهم‌کننده محیطی مؤثر در این زمینه است؛ در این راستا گرایش به تفکر و عوامل مرتبط با آن به‌عنوان یکی از صلاحیت‌های حرفه‌ای مدرسان، توجه بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۴). در این جا این سؤالی مطرح می‌شود که مدرسان مراکز تربیت معلم چگونه می‌توانند به پرورش تفکر در دانشجویان - معلمان کمک کنند و سیره رضوی چه دلالت‌هایی در این زمینه می‌تواند داشته باشد؟

نقش استادان در آموزش اندیشیدن به دانشجو- معلمان با توجه به سیره رضوی

برخی پژوهشگران مانند فشیون و همکاران وی (۲۰۰۲: ۴۳) معتقدند که آموزش، صرفاً به معنای آموختن روش اندیشیدن به فراگیران است. اندیشیدن فرآیندی است که عواملی مانند دانش و اطلاعات، مهارت‌های تفکر (مشاهده، تعیین روابط علی، فرضیه‌سازی، تفسیر، تحلیل، ترکیب و تعمیم) و نگرش (علاقه به تردید نسبت به قضاوت خود، گرایش به طرح سؤال، اشتیاق برای قبول شواهد معتبر، تلاش در برطرف کردن ابهام‌ها) در آن دخالت دارد. با توجه به وجود عوامل مختلف نام برده در فرآیند اندیشیدن، همواره نظریه‌های مختلفی درباره چگونگی پرورش اندیشه در نظام‌های تربیتی ارائه شده است (دوبونو، ۱۹۹۱). در نظام تربیتی اسلام نیز که وحی و سنت پیامبر و اهل بیت^(ع) از منابع اصلی آن است؛ در باره پرورش تعقل یا تربیت عقلانی روش‌هایی پیشنهاد شده است که به برخی از مهم‌ترین روش‌های پرورش اندیشه و خرد با تأکید بر سیره امام رضا^(ع) و نقش مدرسان در اجرای آن پرداخته می‌شود.

۱. آموزش انفرادی

یکی از روش‌های برجسته خردپروری در سیره رضوی، آموزش انفرادی است. به این معنا که امام رضا^(ع) با پذیرش این اصل که انسان‌ها از نظر میزان عقل و ظرفیت فکری با یکدیگر متفاوتند اما از نظر حقوق جامعه و رعایت شرف انسانی با هم برابرند، با هر یک از مخاطبان خود به گونه‌ای متفاوت سخن می‌گفتند. به‌عنوان مثال هنگام بحث با افرادی خردمند، استدلال دقیق به کار می‌بردند و برعکس، در مباحثه با افرادی که دانش و خرد کمتری داشتند، ضمن پرهیز از ورود به مباحث پیچیده علمی و تخصصی، سطح معمولی از مباحث را در پاسخ‌گویی به مشکلات فکری و عقیدتی آنان مورد توجه قرار می‌دادند. در این زمینه اسحاق بن عمار نیز بیان می‌کند: «به امام صادق^(ع) گفتم: وقتی در نزد بعضی اشخاص سخن می‌گویم، هنوز سختم تمام نشده، آن شخص همه مقصودم را می‌فهمد. کسی هم

هست که وقتی با او به تفصیل کامل سخن می‌گوییم، او همه را همان گونه که گفتم برای من بازگو می‌کند. با بعضی هم که به تفصیل سخن می‌گوییم، می‌گوید دوباره برایم بگو تا بفهمم. امام فرمود: ای اسحاق، می‌دانی علت آن چیست؟ گفتم: نه. فرمود: آن که پیش از اتمام سخت، همه مقصود تو را می‌فهمد، عقل با نطفه او خمیر شده است. آن که پس از اتمام سخن مشروح تو، همه را به تو برمی‌گرداند، در شکم مادر که بوده، عقل با جسم او ترکیب شده است و اما آن که سخن خود را به تمام و کمال برای او می‌گویی، ولی می‌گوید دوباره بگو؛ او پس از آن که بزرگ شده عقل با وی ترکیب شده است و از این رو می‌گوید دوباره بگو» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۰).

بنابراین در یک کلاس درس نیز هرچند از نظر فیزیکی دانشجویان متعدد و نسبتاً مشابهی حضور دارند؛ اما چون هر یک از آنها به شیوه‌ای متفاوت می‌آموزند از این رو توجه به ارائه آموزشی متناسب با هر دانشجو، باید در رأس روش‌های تربیت عقلانی قرار گیرد. به نحوی که توسط آموزش انفرادی، هر یک از دانشجویان براساس تفاوت‌های فردی خود با دیگران، بتواند به صورتی مستقل، یاد بگیرد و قوای عقلانی خود را پرورش دهد. مدرسان نیز در این زمینه می‌توانند با ارائه تکالیف فردی متنوع در موضوعات مختلف، دانشجویان را تشویق کنند تا هر یک به صورت انفرادی یا همراه با گروهی که دارای علایق مشترک با آنها هستند به دنبال علایق و مجهولات ذهنی خویش بروند و برای آنها پاسخ مناسبی بیابند.

۲. بحث گروهی

این روش، گفت‌وگویی سنجیده و منظم در باره موضوعی خاص است که مورد علاقه شرکت‌کنندگان در بحث است. در این روش، مربی موضوع خاصی را مطرح می‌کند و فراگیران در باره آن به مطالعه، اندیشه، بحث و اظهارنظر می‌پردازند و نتیجه می‌گیرند؛ بنابراین، در این روش، فراگیران در فعالیت‌های آموزشی شرکت می‌کنند و مسئولیت یادگیری را به عهده می‌گیرند. آنها در ضمن مباحثه، از اندیشه و نگرش‌های خود با ذکر دلایل متکی بر حقایق، مفاهیم و اصول علمی دفاع می‌کنند. در سیره تربیتی

امام رضا^(ع) نیز از این روش زیاد استفاده شده است؛ به نحوی که ایشان در میان گروهی از یاران خویش آیات قرآن، روایات و مسائل روز را مطرح می‌کردند و سپس به آموزش مبانی دینی اسلام به آن‌ها می‌پرداختند.

مدرسان می‌توانند با بهره‌گیری از روش بحث گروهی در تربیت عقلانی دانشجویان- معلمان سهم عمده‌ای داشته باشند؛ زیرا محور کار در این روش فعالیت دانشجویان و استاد نقش راهنما دارد. یعنی مطالب علمی مستقیم توسط استاد در اختیار دانشجویان قرار نمی‌گیرد؛ بلکه توسط استاد منابعی معرفی می‌کند و دانشجویان خود به مطالعه و جمع‌آوری اطلاعات و نتیجه‌گیری از آن‌ها می‌پردازند. در واقع در جریان بحث گروهی در کلاس درس، دانشجویان علاوه بر کسب اطلاعات علمی، تفکر خود را پرورش می‌دهند؛ زیرا به تدریج می‌آموزند که چگونه به انتقاد یا بیان عقاید خود بپردازند و توانایی استدلال و تجزیه و تحلیل خویش را تقویت کنند. جانسون و جانسون (۱۹۹۹)، به نقل از حسینخانی، (۱۳۹۴) در دانشگاه مینوسوتای آمریکا از این روش تدریس به نحو موثری استفاده کرده‌اند و براساس تجارب خود بیان می‌کنند که مدرسان برای اجرای موفقیت‌آمیز این روش باید این پنج اصل را رعایت کنند:

۱. **تعامل مثبت:** یعنی مدرسان باید تمام توان خود را به کار گیرند تا در دانشجویان تمایل به تعاون و همکاری بیشتر میان اعضای گروه خود و نیز اعضای یک گروه با سایر گروه‌ها را به وجود آورند.
۲. **حس مسئولیت فردی و گروهی:** مدرسان باید استراتژی‌هایی را به کار بگیرند تا فراگیران در قبال یادگیری و موفقیت خود و گروه‌شان مسئولیت پذیر باشند.
۳. **تعامل چهره به چهره:** میز و صندلی‌های کلاس باید طوری چیده شود که دانشجویان بتوانند به راحتی تعامل چهره به چهره داشته باشند.
۴. **مهارت‌های گروهی:** مدرسان باید به آموزش مهارت‌های مورد نیاز دانشجویان برای

کار گروهی موفق بپردازند.

۵. **ارزیابی کار گروهی:** مدرسان باید در انتهای هر جلسه فرصتی به دانشجویان دهند تا به شناسایی نقاط ضعف و قوت کار گروهی خود بپردازند و درصدد رفع نقاط ضعف و بهبود نقاط قوت خویش برآیند.

۳. پرسش و پاسخ

یکی از لوازم خردورزی و تربیت عقلانی، استفاده از روش پرسش و پاسخ است که در سیره امام رضا^(ع) به وضوح قابل مشاهده است. ایشان در این زمینه می‌فرمایند: علم، گنجینه‌های کمال است و کلیدهای آن گنجینه‌ها پرسش کردن است (طارمی، ۱۳۷۵: ۱۴۵). شایان ذکر است که هرچند برای سؤال کردن فضیلت‌های متعددی برشمرده شده است اما اهل بیت^(ع) در این زمینه، در صورتی که هدف آن آزار یا دست انداختن معلم باشد هشدار داده‌اند. به نحوی که حضرت علی^(ع) در این رابطه می‌فرماید بر دانشجویان که در سؤال از معلم زیاده‌روی نکند و با پاسخ‌های او به مکابره و ستیزه برنخیزد. هنگام خستگی و ناتوانی معلم، از پای فشردن بربحث خودداری کند و چون به عزم بیرون رفتن از مجلس درس برخاست به دامن وی نیاویزد (مجلسی، ۱۳۸۹، ج ۲: ۴۳).

در مجموع پرسش و پاسخ که بیانگر نوعی گفت و گوست در سیره رضوی مورد توجه بسیار قرار گرفته که در ادامه به بیان یکی از پرسش و پاسخ‌های معروف امام رضا^(ع) در دوران مأمون پرداخته می‌شود. روزی به دستور مأمون، مجلسی از فقها و فیلسوفان فرقه‌های مختلف، در حضور امام رضا^(ع) تشکیل شد و خود مأمون نیز در آن مجلس شرکت کرد. در آن مجلس، یکی از علما از امام رضا^(ع) پرسید: مقام امامت برای مدعی آن، از چه راهی ثابت می‌شود؟ امام رضا^(ع) فرمود: با تصریح پیامبر^(ص) و دلایل ثابت می‌شود. عالم گفت: دلالت بر صدق امام چیست؟ امام رضا^(ع)

فرمود: در علم و استجابیت دعای او. عالم گفت: شما چگونه از حوادث خبر می‌دهید؟ حضرت فرمود: براساس عهدهی که بین ما و رسول خدا^(ص) وجود دارد. عالم گفت: شما از دل‌های مردم چگونه خبر می‌دهید؟ امام فرمود: آیا سخن پیامبر^(ص) به شما نرسیده که فرمود: مراقب فراست و تیزهوشی مؤمن باشید^۱؛ چراکه او به کمک نور خدا، می‌نگرد. عالم گفت: آری؛ این سخن به ما رسیده است. امام رضا^(ع) فرمود: هیچ مؤمنی نیست مگر اینکه دارای هوش تیز و سرعت انتقال است و با نور خدا به اندازه ایمان و بصیرت و شناختش، به اشیا می‌نگرد و خداوند در وجود امامان^(ع) آن چه را که در میان همه مؤمنان پخش کرده، جمع کرده است (ابن بابویه، ۱۳۹۲، ج ۲: ۴۴۸، باب رد برغالیان). شایان ذکر است چنان چه یک مدرس بخواهد از روش پرسش و پاسخ برای رشد عقلانی دانشجویان خویش استفاده کند در وهله اول باید توجه داشته باشد که سؤال مطرح شده واضح، هدف دار، مختصر و متناسب با ویژگی‌های مخاطبان وی باشد. جواب سؤال نیز محدود به کلمه بله و خیر یا یک جمله کوتاه نباشد. همچنین سؤال در سطحی فراتر از محفوظات دانشجو مطرح شود. بنابراین چنان که ملاحظه می‌شود طراحی سؤال هنری است که مدرسان برای کسب آن باید آموزش ببینند و تمرین کنند.

۴. مناظره

مناظره به معنای بحث و گفت و گو با یکدیگر است که طی آن دو طرف گفت و گو می‌کشند با استفاده از مقدمات مسلم و پذیرفته شده از سوی طرف مقابل، به گونه‌ای که نقض آن دشوار باشد، مطلب خود را اثبات و در مواردی نیز برتری و فضیلت خود را بر دیگران اثبات کنند (سپنچی و مؤمن دوست، ۱۳۹۰: ۱۲۱-۱۲۲). استفاده از روش مناظره بیانگر برخورد اندیشه‌ها به منظور پرده برداشتن از چهره حقیقت است و امام

۱. اِتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ.

رضاء^(۴) در این زمینه فرموده‌اند: «برای دانستن سؤال کن نه برای مغلوب ساختن دیگران». ایشان با شرکت در جلسات مناظره‌ای که یا خودشان (قبل از ولایت عهدی) یا مأمون (بعد از ولایت عهدی) تشکیل می‌دادند عملاً روش مستدل و عقلانی بحث و مناظره و تحقیق را به مردم آموزش می‌دادند (حسینی و ده پهلوانی، ۱۳۹۱: ۹۸). در واقع هنگامی که همراه با نهضت ترجمه، تحولی فکری و فرهنگی در جامعه اسلامی ایجاد شد، مسائل جدیدی جایگزین مسائل موجود شد و معیارها، مبانی و روش‌ها نیز تغییر کرد؛ بر همین اساس بر خلاف برخی رهبران ادیان و مذاهب که پرسش را زمینه گسترش شبهات و مقدمه شک و بی‌اعتقادی می‌دانستند و در مواجهه با آن دچار گسست فکری می‌شدند، امام رضا^(۴) با اطمینان از مبانی دینی، بصیرت و آگاهی، به جای نقل حکایت به درک درایت تأکید کرده و با استقبال از تضارب آرا به مناظره و مباحثه و طرح مسائل نوین دین‌شناسی پرداختند. استقبال اهل‌بیت^(ع) و از جمله امام رضا^(ع) از مباحث آزاد میان ادیان و حضور در این میدان، نشانگر آن است که آنان مبانی اعتقادی اسلام را دارای پایه‌های برهانی و عقلانی قوی دانسته و اعتقاد داشتند که معارف دین با عقل و علم قابل دفاع بوده و هست. امام رضا^(ع) با اطمینان به حقانیت دین و واقع‌گرایی شریعت محمدی، ضمن استقبال از ژرف کاوی عقلی در مباحث دینی همواره پرسش‌های دینی را ارج می‌نهادند و پیروان خود را به تأمل و تدبر و مناظره و مباحثه علمی دعوت می‌کردند. (وطن دوست، ۱۳۸۷: ۱۴). آن چه امام رضا^(ع) در باب دفاع عقلانی از توحید و مجموعه دین، توسط روش مناظره انجام دادند منجر شد تا ابهامات و شبهات زیادی از دین بر طرف شده و ظرفیت تحمل و تأمل در دیدگاه‌های مخالف آموزش داده شود (طاهری وحدتی، ۱۳۹۱).

مناظره‌های امام رضا^(ع) ویژگی‌های خاصی دارد که برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از: میدان دادن به طرف مقابل، اعطای آزادی کامل به مخالفان، رعایت انصاف،

برخورد با حوصله، احتیاج با زبان طرف مقابل و استفاده از مقبولات طرف مقابل در مناظره، هستند (شفیعی مطهر، ۱۳۹۰: ۱۸۴-۱۹۵). بنابراین چنانچه مدرسان بخواهند از روش مناظره به نحو موفقیت‌آمیزی در کلاس‌های درس خود بهره‌گیرند باید رعایت این ویژگی‌ها را مد نظر قرار دهند. متأسفانه امروزه روش مناظره به‌عنوان یک روش تدریس در نظام آموزشی یا مورد استفاده قرار نگرفته یا بسیار کم از آن استفاده می‌شود؛ درحالی‌که استفاده از این روش در کلاس درس آثار مثبت زیادی بر دانشجویان خواهد گذاشت. برخی از این آثار عبارت است از: افزایش قدرت تفکر، خلاقیت، استدلال، قدرت بیان و شرکت در بحث توسط دانشجویان. (عزیزی، ۱۳۹۲).

۵. عبرت آموزی

در این شیوه، آموزش نه بر محور خود فرد، بلکه با نظر به دیگران شکل می‌گیرد. «دیگران» گذشتگان یا همراهان کنونی فرد می‌توانند باشند. این روش، روشی آیه‌ای است. یعنی در این روش، پدیده‌ها را آیت دیدن، از سطح عبور کردن و به اعماق دست یافتن، مطرح است (فروزش و محسنی زاده، ۱۳۹۳: ۴۴۶). امام رضا^(ع) در این زمینه بیان می‌کنند: کسی که نفسش را به پای حساب بکشد، سود می‌برد و کسی که از آن غافل شود، زیانکار است، کسی که بترسد ایمن است و کسی که عبرت گیرد، بیناست، کسی که بینا باشد، می‌فهمد و کسی که بفهمد، می‌داند^۱ (جوادی آملی، ۱۳۸۲: ۲۰۵).

منابع مختلفی برای استفاده از روش عبرت آموزی وجود دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارت است از تاریخ، شگفتی‌های آفرینش و تجربیات خود فرد (احمدیان احمدآبادی و اخوان، ۱۳۹۱: ۶-۱۰). از اینرو چنانچه یک مدرس بخواهد به شیوه‌ای مؤثر از روش عبرت آموزی در کلاس درس خویش استفاده کند، می‌تواند از این منابع بهره‌گیرد. به‌عنوان مثال برای حل مسائل و تکالیف فردی یا گروهی که به دانشجویان ارائه می‌کند

۱. مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرٌ وَمَنْ خَافَ آمِنٌ وَمَنْ اغْتَبَرَ أَبْصَرَ وَمَنْ أَبْصَرَ فَهَيِّمَ وَمَنْ فَهَيِّمَ عَلِمَ.

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

از آن‌ها بخواهد منابع تاریخی در این زمینه را بررسی یا در تجربیات گذشته خود غور کنند. البته شایان ذکر است که هر کسی نمی‌تواند از وقایع عبرت‌انگیز، درس لازم را بگیرد و از آن متنبع شود، بلکه به فرموده قرآن کریم، صاحبان عقل، بصیرت و تقوا، اهلیت بهره‌برداری از آن را دارند (یوسف، ۱۱۱؛ آل عمران، ۱۳ و بقره، ۶۶). در واقع روش عبرت‌آموزی از یک سو منجر به افزایش خرد و تعقل فرد می‌شود و از طرف دیگر تفکر و خردورزی از پیش شرط‌های لازم در بهره‌برداری از این روش است.

نتیجه‌گیری

سیره تربیتی امامان معصوم^(ع) یکی از غنی‌ترین منابع برای استخراج مؤلفه‌ها و روش‌های تربیتی موثری است که می‌تواند چالش‌های موجود در نظام‌های آموزشی را رفع کند. یکی از این چالش‌ها کم‌توجهی یا بی‌توجهی به تربیت عقلانی در فراگیران است. شرایط اجتماعی و سیاسی دوران امام رضا^(ع) ایجاب می‌کرد که ایشان برای ترویج و انتقال دانش خود، بیش از سایر امامان معصوم^(ع) از عقلانیت و روش اقتناع بهره‌گیرند. به نحوی که امام رضا^(ع) یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های تربیت اسلامی را تربیت اندیشه و خردورزی معرفی کرده‌اند؛ زیرا تربیت سایر ابعاد وجودی انسان درگرو تربیت اندیشه و تعقل وی است.

تحلیل و بررسی سیره رضوی بیانگر استفاده از روش‌های تربیتی خاصی برای پرورش تفکر است. مهم‌ترین این روش‌ها عبارت است از: روش آموزش انفرادی، روش آموزش گروهی، روش پرسش و پاسخ، روش مناظره و روش عبرت‌آموزی. هرچند اگر روش‌های نامبرده توسط استادان مراکز تربیت معلم استفاده شود، تحولی عظیم در تربیت معلم نسل آینده و به دنبال آن در نظام آموزشی ایجاد خواهد شد؛ اما باید توجه داشت که مدرسان به‌عنوان مجریان این روش‌ها، خود باید از صلاحیت‌های خاصی

برخوردار باشند. به‌عنوان مثال برای اجرای مطلوب روش آموزش انفرادی، یک مدرس باید به ویژه با اصول روان‌شناسی، روان‌شناسی تربیتی و کاربرد آن در کلاس درس آشنا باشد تا به نحو مطلوبی تفاوت‌های فردی دانشجو- معلمان را شناسایی کند و به آن‌ها واکنش نشان دهد. در باره کاربرد روش مناظره نیز در برخی از موارد ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری مدرس و میزان علم و دانش وی اهمیت بیشتری دارد. در این زمینه وطن دوست (۱۳۸۷: ۱۵) نیز بیان می‌کند: مهم‌ترین عنصر مؤثر در مناظرات معصومان^(ع) شخصیت خودشان بود. لبخند، نگاه‌های مهربانانه و آن دلسوزی که از تمام وجود معصومان^(ع) نمایان است، عالی‌ترین تاکتیک‌هایی بود که در پشتوانه ادعاها و استدلالات آن‌ها قرار می‌گرفت. از طرف دیگر، علاوه بر مدرسان، دانشجو- معلمان نیز در این زمینه باید از ویژگی‌ها و صلاحیت‌های خاصی برخوردار باشند. به‌عنوان مثال مهم‌ترین ویژگی دانشجو- معلمان باید برخورداری از سطح هوشی بالاتر از متوسط و علاقه مندی به حرفه معلمی باشد تا کوشش‌های مدرسان در استفاده از روش‌های تربیت عقلانی به نتایج مطلوبی منتهی شود. از این رو برای استفاده مؤثر از روش‌های آموزشی برگرفته از سیره رضوی در تربیت عقلانی دانشجو-معلمان پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. در فرایند جذب دانشجو معلمان و نیز مدرسان مراکز تربیت معلم، علاوه بر سطح علمی، سایر مهارت‌های ایشان براساس ملاک‌هایی روشن و استاندارد مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲. پس از جذب دانشجو- معلمان و نیز مدرسان در مراکز تربیت معلم، توانمندی‌های فکری آن‌ها توسط آزمون‌هایی مکرر، مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد. همچنین براساس نتایج به‌دست آمده، مشوق‌هایی برای تلاش بیشتر فکری و علمی در دانشجو- معلمان و نیز مدرسان ارائه شود.

۳. کارگاه‌هایی آموزشی برای مدرسان تشکیل شود که کاربرد مطلوب روش‌های آموزش

❖ سال پنجم شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۶

تفکر در دانشجو- معلمان بر اساس سیره رضوی را آموزش دهد و منجر به پرورش صلاحیت‌های لازم به ویژه مهارت‌های ارتباطی مطلوب در مدرسان شود.

۴. یک یا چند واحد درسی با عنوان «آموزش تفکر» برای دانشجو- معلمان تدوین و ارائه شود.

۵. با توجه به این که کیفیت تکالیف ارائه شده از جانب مدرسان، نقش مهمی در اجرای موفقیت‌آمیز هر یک از روش‌های تربیت تفکر در سیره رضوی دارد؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود استادان با ارائه تکالیف چالش بر انگیز، دانشجو- معلمان را از توانایی‌های خود آگاه کنند. بدیهی است که این تکالیف باید کمی بالاتر از حد توانایی‌های آنان باشد یعنی نه بسیار ساده و نه بسیار پیچیده تا منجر به کاهش انگیزه در ایشان نشود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، (۱۳۸۵)، ترجمه الهی قمشه‌ای، تهران: گلی.
- نهج البلاغه، (۱۳۹۰)، ترجمه استاد ولی، تهران: اسوه.
- ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۳۱۷)، عیون اخبار الرضا^(ع)، ج ۱ و ۲، ترجمه آقا نجفی اصفهانی، اصفهان: نبوغ.
-، (۱۳۹۲)، عیون اخبار الرضا^(ع)، ج ۲، ترجمه و شرح آقا نجفی اصفهانی، قم: انتشارات نبوغ، چاپ دوم.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، (۱۳۸۰)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، ترجمه بهرادجعفری، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- احمدیان احمدآبادی، اکرم؛ اخوان، محمد (۱۳۹۱)، «عبرت آموزی و نقش آن در اخلاق و تربیت اسلامی از دیدگاه امام علی^(ع)»، پژوهش نامه علوی، (۱) ۳ صص ۱-۲۲.
- اسماعیلی، رقیه؛ ایزدی، احمد؛ اسماعیلی، مهرداد؛ امیدی، کورش، (۱۳۹۰)، «تاثیر آموزش تفکر انتقادی بر فرایند مراقبتی بیماران در دانشجویان پرستاری»، مراقبت‌های نوین، (۱) ۸، صص ۶-۱.
- بدری گرگری، رحیم؛ فتحی آذر، اسکندر؛ حسینی نسب، داوود؛ مقدم، محمد (۱۳۸۶)، «بررسی

- مهارت تفکر انتقادی دانشجو معلمان مراکز تربیت معلم تبریز»، *روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۲(۷)، صص ۶-۲۹.
- برنجکار، رضا (۱۳۷۴)، «ماهیت عقل و تعارض عقل و وحی»، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره ۳ و ۴، صص ۱۸۴-۲۰۴.
 - بصیر، دانیال (۱۳۹۴)، جایگاه عقل و عقلانیت از منظر حدیث رضوی. بازیابی شده در ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ از سایت موسسه قرآنی به سوی خورشید: besooyekhorshid.blog.ir
 - بهشتی، سعید و رشیدی، شیرین (۱۳۹۲)، «اصول تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام رضا(ع)»، *پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۱(۱۸)، صص ۵۱-۶۷.
 - پوردهاقانی، علی قاسم و نصرآبادی، حسنعلی بختیار (۱۳۸۸)، «جایگاه اندیشه و اندیشیدن در نظام تربیتی اسلام»، *دوفصلنامه تربیت اسلامی*، ۴(۹)، صص ۱۲۵-۱۴۰.
 - جبران، مسعود (۱۳۷۹)، *فرهنگ رائد الطلاب*، ترجمه عبدالستار قمری، تهران: یادواره کتاب.
 - جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۲)، *قرآن کریم از منظر امام رضا(ع)*، ترجمه زینب کربلائی، قم: اسراء.
 - حاتمی، جوادی؛ احمدزاده، بتول؛ فتحی آذر، اسکندر (۱۳۹۲)، «دیدگاه استادان دانشگاه در خصوص کاربرد تفکر انتقادی در فرایند تدریس»، *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۶۹، صص ۱۰۳-۱۲۰.
 - حسینخانی، هادی (۱۳۹۴)، *یادگیری به روش بحث گروهی و شیوه کاربرد آن در حوزه‌های علمیه و آموزش عالی*، بازیابی شده در ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ از: <http://motaleat.tahzib-howzeh.com/index.aspx?siteid>
 - حسینی، حسن و ده پهلوانی، طلعت (۱۳۹۱)، «جایگاه عقلانیت در احتجاجات امام رضا(ع)»، مجموعه مقالات نخستین همایش ملی سیره و معارف رضوی، صص ۸۴-۱۰۲، مشهد: دانشگاه فردوسی.
 - رحیمی، علیرضا (۱۳۸۸)، «گزاره‌هایی در باب تعامل تربیت و فرهنگ عمومی»، نامه پژوهش فرهنگی، ۱۰(۷)، صص ۴۷-۷۱.
 - سپنجی، امیر عبدالرضا، مؤمن دوست، نفیسه (۱۳۹۰)، «اقتناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم(ع)؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا(ع)»، *دو فصلنامه علمی پژوهشی دین و ارتباطات*، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۴۴.
 - شفیعی مطهر، علیرضا (۱۳۹۰)، *در سایه سار رضوان: جلوه‌های رفتاری و گفتاری حضرت امام رضا(ع)*، قم: رواق دانش.

- طارمی، حسین (۱۳۷۵)، *دانشنامه جهان اسلام، مدخل بحار الانوار*، ج ۲. تهران: بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- طاهری وحدتی، حسین، (۱۳۹۱) *حکمت عملی در سیره امام رضا*، بازیابی شده در ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ از سایت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: <http://www.irip.ir/home/single/2903>
- عزیزی، فریبا (۱۳۹۲) *بررسی تأثیر روش مناظره در کلاس درس*. بازیابی شده در ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ از وبلاگ سمینار دانشجویان تکنولوژی آموزشی در: <http://seminar.blogfa.com/post/>
- فروزش، سجاد و محسنی زاده، معصومه (۱۳۹۳)، «مؤلفه‌های تربیت دینی و روش‌های آن در سبک زندگی امام رضا^(ع)»، *مجموعه مقالات همایش ملی سبک زندگی در فرهنگ رضوی*، صص ۴۴۱-۴۵۵، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- کرمی، مرتضی؛ رجائی، ملیحه؛ نامخواه، مرضیه، (۱۳۹۳)، «بررسی میزان گرایش به تفکر انتقادی در معلمان مقطع متوسطه و نقش آن در سبک تدریس آنان»، *پژوهش در برنامه ریزی درسی*، (۴۰)، ۱۳(۴۰)، صص ۳۴-۴۷.
- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، ج ۸، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مایرز، جت، (۱۳۷۴)، *آموزش تفکر انتقادی*، ترجمه خدایار ابیلی، تهران: سمت.
- مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *بحار الانوار*، ج ۲، ۴۹ و ۶۸، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مهرمحمدی، محمود، (۱۳۷۷)، «نظام تربیت معلم در جمهوری فدرال آلمان و مقایسه آن با جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، شماره ۷، صص ۱۵۸-۱۶۹.
- نیکخواه، محمد؛ نصر اصفهانی، احمد رضا؛ عزیزی، حسین، (۱۳۹۰)، «مهارت‌ها و روش‌های آموزش و تدریس در تعالیم پیامبر^(ص) و اهل بیت^(ع)»، *مجموعه مقالات اولین همایش ملی تحول بنیادین در نظام برنامه درسی ایران*، صص ۵۴۳-۵۵۳، مشهد: نشر دانشگاه فردوسی.
- وطن دوست، رضا، (۱۳۸۷)، «عقل و روش کلامی امام رضا^(ع)»، *اطلاعات حکمت و معرفت*، شماره ۳۲، صص ۱۳-۱۵.
- هاشمی، خدیجه، (۱۳۹۱) *خردورزی از دیدگاه امام رضا^(ع)*، بازیابی شده در ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ از سایت موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران: <http://www.irip.ir/Home/Single/2899>
- هدایتی، محمد و شمالی، محمدعلی، (۱۳۸۸)، «جستاری در عقل نظری و عقل عملی»، *فصلنامه معرفت فلسفی*، (۳) ۶ صص ۲۱۳-۲۶۲.
- Facione P, Facion N, Giancarlo C, Blohm S. (2002). **Teaching for thinking**. Insight assessment and the California Academic Press

